

Investigating the location of Al Asfour Moqfat in Bushehr port)

Galia Haghparast*

Abstract

The historical context of Bushehr port is one of the most important urban contexts in the northern shores of the Persian Gulf. The main core and initial formation of Bushehr started from the era of Nader Shah Afshar under the name of Naderiyeh, continued during the Zandiyeh era, and during the Qajar era, the main structure of this port was established in the center of four places. Waqf and Waqfi properties have an important place in Bushehr port. Two important Moqufe, Kazerooni and Al Asfour, are among the largest Moqfat of Bushehr port. Since the topic of the present research is related to the Moqfat of the Al Asfour family, the main focus of this research is the investigation of the Moqfat of this family. The emergence and expansion of waqf in Bushehr port, in addition to the religious motivations of the waqfs, also had cultural, political and social reasons. The tradition of waqf in this region, like other parts of Iran, has attracted the attention of believers and enthusiasts. who have taken steps in the direction of the prophetic tradition and have tried to help their fellow men through waqf. One of the influential personalities of Bushehr was Sheikh Hassan Al Asfour, who played an important role in the political, social and religious developments of Bushehr and had many waqf in Bushehr port. This family was one of the Shiite families that migrated to Bushehr in the early years of the Qajar era and left an important role in the political and social fields of this port. This research has been carried out in a descriptive-analytical way and aims to investigate Al Asfour Moqf in Buatshehr port. The results of the research show that the position and social influence of the Al Asfour family had caused them to be presented with properties by the lovers of this family in Bushehr. Investigations show that the endowment properties of this family are located in the two neighborhoods of Shokri and Zolam Abad (Solh Abad), which is the second largest endowment of Bushehr after the endowment of Sayyed Mohammad Reza Tajer Kazerooni.

Key words: : Port Bushehr, Al Asfour, Majlisi, old texture, Jumaa Mosque, bazaar, mausoleum.

*. Senior expert in ancient culture and languages

g_haghparast@yahoo.com



دراسة مكانة أوقاف آل عصفور في ميناء بوشهر

جالیا حق برست *

خلاصة

بعد النسيج التاريخي لميناء بوشهر أحد أهم المكونات الحضرية في الشواطئ الشمالية للخليج الفارسي. بدأت النواة الرئيسية و التكوين الأولي لمدينة بوشهر من عهد نادر شاه أفشار تحت اسم النادرية، و استمر في عهد الزندية، و في عهد القاجار تم إنشاء النسيج الرئيسي لهذا الميناء في وسط أربعة أماكن. الأوقاف و الأملاك الوقفية لها مكانة هامة في ميناء بوشهر. و يعتبر وقفا الكازروني و آل عصفور المهمان من أكبر أوقاف ميناء بوشهر. و بما أن موضوع البحث الحالي يتعلق بأوقاف عائلة آل عصفور، فإن المحور الرئيسي لهذا البحث هو دراسة أوقاف هذه العائلة. بالإضافة إلى الدوافع الدينية للأوقاف فأن ظهور و توسع الوقف في ميناء بوشهر كانت له أسباب ثقافية و سياسية و اجتماعية أيضاً. وقد لفت تقليد الوقف في هذه المنطقة، كما هو الحال في أجزاء أخرى من إيران، انتباه المؤمنين و المتحمسين الذين ساروا على نهج الحديث النبوي و حاولوا مساعدة إخوانهم من البشر من خلال الوقف. من شخصيات بوشهر هو الشيخ حسن آل عصفور الذي لعب دوراً مهماً في تطورات بوشهر السياسية و الاجتماعية و الدينية و كان له أوقاف كثيرة في ميناء بوشهر. و كانت هذه العائلة من العائلات الشيعية التي هاجرت إلى بوشهر في السنوات الأولى من عهد القاجار و تركت دوراً مهماً في المجالين السياسي و الاجتماعي لهذا الميناء. تم إجراء هذا البحث بطريقة وصفية تحليلية و يهدف إلى دراسة أوقاف آل عصفور في ميناء بوشهر، و قد بينت نتائج البحث أن مكانة عائلة آل عصفور و مستوى تأثيرها الاجتماعي كان سبباً في التبرع بالعقارات من قبل محبي هذه العائلة في بوشهر. و تشير التحقيقات إلى أن أملاك هذه العائلة تقع في حي شكري و ظلم آباد(صلح آباد)، و هو ثاني أكبر وقف في بوشهر بعد وقف السيد محمد رضا تاجر كازروني.

الكلمات المفتاحية: بندر بوشهر، آل عصفور، المجلسي، النسيج القديم، مسجد الجمعة،

البازار، الضريح

*. ماجستير في الثقافة واللغات القديمة

g_haghparast@yahoo.com



چکیده

بافت تاریخی بندر بوشهر یکی از مهم‌ترین بافت‌های شهری در کرانه‌های شمالی خلیج فارس به شمار می‌رود. هسته اصلی و شکل‌گیری اولیه بوشهر از دوران نادرشاه افشار به نام نادریه آغاز، در دوران زندیه تداوم و در دوران قاجار بافت اصلی این بندر به مرکزیت چهار محل تثبیت می‌شود. وقف و املاک وقفی جایگاه مهمی در بندر بوشهر دارند. دو موقوفه مهم کارزونی و آل عصفور از بزرگ‌ترین موقوفه‌های بندر بوشهر به شمار می‌روند. از آنجا که موضوع پژوهش حاضر در ارتباط با موقوفات خاندان آل عصفور است محور اصلی در این پژوهش بررسی موقوفات این خاندان می‌باشد. ظهور و گسترش وقف در بندر بوشهر علاوه بر انگیزه‌های مذهبی و اقفا، دلایل فرهنگی، سیاسی و اجتماعی نیز داشته است. سنت وقف در این خطه نیز همچون سایر نقاط ایران مورد توجه مؤمنین و علاقه‌مندان بوده است که در جهت سنت نبوی گام برداشته و تلاش کرده‌اند که از طریق وقف، هم‌نوعان خود را یاری کنند. یکی از شخصیت‌های تأثیرگذار بوشهر شیخ حسن آل عصفور بوده که نقش مهمی در تحولات سیاسی، اجتماعی و مذهبی بوشهر بر عهده داشته و موقوفات بسیاری در بندر بوشهر داشته است. این خاندان از خاندان‌های به نام شیعی بودند که سال‌های ابتدایی عصر قاجار به بوشهر مهاجرت کردند و نقش مهمی در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی این بندر از خود بر جای گذاشتند. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است و در پی آن است که به بررسی موقوفات آل عصفور در بندر بوشهر بپردازد. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که جایگاه و میزان تنفذ اجتماعی خاندان آل عصفور موجب تقدیم املاکی از طرف دوستداران این خاندان در بوشهر به آنها شده بود. بررسی‌ها نشان می‌دهند که املاک وقفی این خاندان در دو محله شکری و ظلم آباد (صلح آباد) قرار دارند که بعد از موقوفه سید محمدرضا تاجر کارزونی دومین موقوفه بزرگ بوشهر به‌شمار می‌رود.

واژگان کلیدی: بندر بوشهر، آل عصفور، مجلسی، بافت قدیم، مسجد جمعه، بازار، بقعه

۱. کارشناس ارشد فرهنگ و زبانهای باستان
g_haghparsat@yahoo.com



مقدمه

مطالعه و بررسی تاریخ بوشهر در دوران قاجار نیازمند تحقیقات و پژوهش‌های فراوانی است. بوشهر در دوران قاجار به‌تناسب و بنا بر جهت‌گیری سیاسی ایران و قدرت‌های جهانی همواره در صدر اخبار ایران و جهان آن روز قرار می‌گرفت. در بندر بوشهر همواره سیاست، مهاجرت، اقتصاد و فرهنگ و مذهب، پیوسته و در تعامل با هم عمل می‌نموده‌اند. از همین روی، بافت تاریخی این بندر که از چهار محله اصلی تشکیل شده کانون بیشترین تحولات و وقایع بود. یکی از مسائلی که بوشهر را همواره تحت‌تأثیر خود قرار می‌داد پدیده مهاجرت به‌عنوان مرکز ثقل تجاری و یک کانون پیشرو و دروازه ورودی خلیج فارس و ایران بود. یکی از مهاجرت‌های تأثیرگذار نیمه اول عصر قاجار به بوشهر سوای از مهاجرت‌های داخلی، مهاجرت خاندان‌های مهاجر عرب شیعی‌مذهب به این شهر بود. خاندان آل عصفور یکی از مهم‌ترین و برجسته‌ترین این خاندان‌ها بودند که منشأ خدمات فرهنگی، مذهبی فراوانی در بوشهر شدند. نام خاندان آل عصفور همواره با تاریخ معاصر بوشهر و بافت مرکزی این بندر عجین شده است. روند تأثیرگذاری آل عصفور را می‌توان از جنبه‌های گوناگون سیاسی، مذهبی و فرهنگی در بوشهر بررسی نمود. امروزه از مسجد جمعه و مجلسی آل عصفور به‌عنوان یکی از مهم‌ترین یادمان‌های این خاندان در بافت قدیم بوشهر یاد می‌شود. مراکزی که از دو سده پیش تاکنون مرکز تجمع و محل رجوع مردم بوشهر بوده‌اند که با احترام از آنان یاد می‌شوند. این پژوهش در پی پاسخ‌دادن به این سؤال است که موقوفات آل عصفور از چه جایگاهی در بندر بوشهر برخوردار بوده‌اند؟

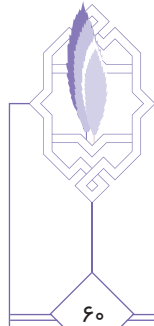
بافت اجتماعی

بندر بوشهر در دوران نادرشاه افشار با نام «ابوشهر» پایه‌گذاری، در دوران زندیه موردتوجه و پس از زندیه در دوران قاجاریه به یکی از مهم‌ترین بنادر تجاری ایران در خلیج فارس تبدیل گردید. جایگاه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بوشهر به‌گونه‌ای بود که در ابعاد گوناگون می‌توانست نقش ویژه‌ای ایفا نماید. (مشایخی، ۱۳۸۶: ۱۱) از نظر اجتماعی جمعیت این شهر در ابتدا، تحت‌تأثیر مهاجرت‌های صورت‌گرفته از سوی کرانه‌های جنوبی خلیج فارس بود. این مهاجران، در ابتدا عرب‌زبان و سنی مذهب بودند که پس از سکونت در بافت اصلی بندر بوشهر هضم شدند (گرمون رای، ۱۳۷۸: ۴۴). شایان‌ذکر است که علاوه بر مهاجرت قبایل سنی مذهب، برخی از قبایل شیعه‌مذهب نیز در فاصله زمانی عصر زندیه تا قاجاریه

به بوشهر آمدند و در این شهر ساکن شدند و بافت اجتماعی شهر را متأثر از خویش ساختند. (گرمون رای، ۱۳۷۸: ۴۵) ارتباطات اجتماعی و فرهنگی بوشهر عمدتاً از دو راه دریا و خشکی شکل گرفته بود. یک راه مسیر دریایی بود که زمینه‌های حضور فرهنگ‌های گوناگون عربی، هندی، آفریقایی و اروپایی را به بوشهر فراهم می‌نمود و راه دیگر؛ مسیر خشکی که مهاجران گوناگونی از مناطق پس‌کرانه‌ای بوشهر و نواحی داخلی را به سوی خود جذب می‌کرد. سیمای اجتماعی بوشهر در دوران قاجار به گونه‌ای بود که اقلیت‌های مذهبی گوناگون در کنار مردم ساکن در این شهر روزانه به فعالیت در زمینه‌های مختلف می‌پرداختند.

بافت شهری

شهر توسط دیواری گلی احاطه شده بود و دوازده برج به فاصله‌های نامساوی در راستای دیوارها قرار داشت که دو تا از این برج‌ها دروازه شهر را تشکیل می‌دادند و در هر کدام از این دو برج یک توپ برنجی با دهانه ۱۱/۵ اینچی که از جزیره هرمز آورده بودند، قرار داشت. (۱۸۱۲، morier: ۵۶) در درون این حصار، که دور تا دور چهارمحل یعنی بافت اصلی شهر در شمال شبه جزیره قرار گرفته بود، ساختمان نمایندگی دولت‌های اروپایی در کنار تجارتخانه‌های بزرگ تجار داخلی و خارجی روزانه مشغول انجام فعالیت‌های سیاسی و تجاری خود بودند. کنسولگری انگلستان در درون شهر و محله کوتی محور امور سیاسی و رفیق و متفق فعالیت‌های این دولت و سایر دولت‌های حاضر در بوشهر و خلیج فارس بود. (برومند، ۱۳۸۱: ۴۲) کلیساهای ظهور عیسی مسیح، در خود کنسولگری انگلستان در محله کوتی و کلیسای گریگوری در محله شنبندی روزانه میزبان اقلیت‌های مذهبی و دینی حاضر در بوشهر بودند. (مشایخی، ۱۳۸۲: ۹۵) علاوه بر کلیساها، کنیسه‌های یهودیان در محله‌های کوتی، بهبهانی و دهدشتی نیز با حضور تعدادی از جماعت یهودی که عمدتاً در تجارتخانه‌ها و بازار این شهر فعالیت داشتند، از آزادی عقیده و آزادی عمل در برگزاری مراسمات مذهبی خود برخوردار بودند. عمارت‌ها و ساختمان‌های شهر عموماً از سنگ‌های دریایی و متناسب با بافت و اقلیم بوشهر که با یک شهر بندری همخوانی داشت ساخته شده بود. (نبی‌پور، ۱۳۹۰: ۱۸) معماری به کار رفته در عمارت‌های بافت اصلی شهر چند وجهی بوده به گونه‌ای که این معماری ترکیبی از معماری بومی و معماری مناطق هم‌جوار خلیج فارس بوده است. (غلامزاده، ۱۳۹۲: ۱۵) بازار در مرکز قرار داشت و نقش اصلی را در مبادلات اقتصادی میان بومیان و همچنین شیخ‌نشین‌ها و سیاحان و



تاجران اروپایی برعهده داشت. راسته اصلی بازار متشکل از بازار ارگ، بازار معین التجار و بازار حاج رئیس بود که اصناف و گروه‌های مختلف اجتماعی و طبقات گوناگون در کنار اقلیت‌های مذهبی به مانند یهودیان، صائبین و ارامنه در آن فعالیت‌های اقتصادی مربوط به خود را داشته‌اند. (ریشهری، ج: ۱: ۱۳۸۰: ۱۱۱) بیشتر تجارت‌خانه‌های داخلی و خارجی نیز در جوار بازار مرکزی قرار داشته که اکثر نمایندگی‌های سیاسی و تجاری خارجی پس از انجام امور اداری و روزمره خود به محل اقامت مربوطه که خارج از حوزه شهر قرار داشت مراجعت می‌کردند.

سیمای سیاسی - اجتماعی بوشهر در دوران قاجار

آنچه که تا حدود زیادی نقش اقتصادی بندر بوشهر را در دوره قاجار برجسته می‌کرد حضور طبقات گوناگونی از تجار و مالکان ثروتمند در این شهر بود. خاندان‌های تاجر مطرحی به مانند ملک‌التجار، معین‌التجار، حاج سید محمدرضا کارزونی، گلشن کارزونی، بهبهانی، دهدشتی، آل شریف، ایرانی از جمله این خاندان‌ها بوده‌اند. (دشتی، ۱۳۸۰: ۱۳۰) تعامل و ارتباط تجار و علما در زمینه‌های گوناگون فرهنگی و سیاسی در بوشهر دوران قاجار رشد چشم‌گیری داشته است. طبقات علما و روحانیون نیز از جمله طبقات مطرح و صاحب‌نفوذ در بوشهر به شمار می‌رفتند. آل عصفور یکی از خاندان‌های مطرحی است که در فاصله سال‌های اواخر زندیه تا نیمه نخست عصر قاجار از بحرین به بوشهر مهاجرت نموده و تأثیرات مهمی در عرصه‌های گوناگون سیاسی - اجتماعی - فرهنگی و مذهبی از خود بر جای نهاده‌است. بندر بوشهر در هنگام ورود خاندان آل عصفور، در حال تبدیل شدن به یکی از مهم‌ترین بنادر ایران در خلیج فارس بود چرا که رفته‌رفته موردتوجه دولت زندیه قرار گرفته بود و این نگاه همچنان ادامه داشت. شرایط سیاسی اجتماعی بوشهر تا پیش از ورود خاندان آل عصفور بدین شهر، متأثر از شرایطی بود که فقدان قدرت مرکزی در ایران و ایالت فارس زمینه آن را فراهم آورده بود.

حضور علمایی چون آیت‌الله بلادی در محله بهبهانی و سید مرتضی علم‌الهدی در محله کوتی که از جایگاه مهم سیاسی و اجتماعی در میان مردم بوشهر برخوردار بودند نیز از این شمارند. (مشایخی و نبوی، ۱۳۷۷: ۲۱) از نظر سیاسی، بوشهر در دوران قاجار همواره یکی از بنادر مهم برای ایران و اروپائیان در معادلات سیاسی و اقتصادی به‌شمار می‌رفت. حضور قدرتمندانه انگلستان در این بندر و تحولات سیاسی ناشی از دو جنگ هرات اول و

دوم و همچنین وقایع مشروطیت در بوشهر و جنگ جهانی اول حاکی از جایگاه و نقش مهم سیاسی بوشهر در معادلات منطقه‌ای خلیج فارس به شمار می‌رود. (مشایخی، ۱۳۹۴: ۱۱۰) در چنین شرایطی، درست در نیمه اول عصر قاجار یعنی دوران سلطنت فتحعلی‌شاه و محمدشاه است که آل عصفور از بحرین که تحت نظر دولت قاجار بود به بوشهر مهاجرت نمود. بستر سیاسی - اجتماعی و فضای حاکم بر بندر بوشهر که در آن برهه زمانی به یکی از مهم‌ترین شهرها و بنادر مرکزی خلیج فارس در تنش‌های دیپلماتیک میان ایران و انگلستان تبدیل شده بود زمینه‌های لازم را برای تأثیرگذاری خاندان آل عصفور به رهبری شیخ حسن که از بزرگان و پرنفوذان آن خاندان در بوشهر بود به این خاندان شیعی مذهب داد.

مهاجرت آل عصفور از بحرین به بوشهر

بحران‌های سیاسی اجتماعی ایجاد شده در شبه‌جزیره بحرین در ابتدای عصر قاجار شرایط خاصی را برای خاندان آل عصفور و سران آن به وجود آورده بود. تضادها و تنش‌های مذهبی و فرقه‌ای به وجود آمده در بحرین که یکی از مراکز تشیع محسوب می‌شد، فرصت و مجال زندگی و قدرت‌نمایی را از آل عصفور و بزرگان این خاندان گرفته بود، تا جایی که این تنش‌ها منجر به کشته شدن برخی از سران آل عصفور از جمله شیخ حسین پدر شیخ حسن آل عصفور گردید. سیطره قدرت خوارج در بحرین و تنگ شدن عرصه سیاسی مذهبی و اجتماعی بر آل عصفور موجب زمینه‌های مهاجرت از بحرین به بوشهر را برای این خاندان فراهم نمود؛ بنابراین دشمنی‌های متناوب و پی‌درپی خوارج هم‌زمان با نیمه اول عصر قاجار و دوران سلطنت فتحعلی‌شاه که در بحرین دست به شکنجه و قتل و کشتار شیعیان و دوستداران خاندان عصمت و طهارت زده بودند، موجب گردید که شیخ حسن آل عصفور در سال ۱۲۱۶ ه.ق / ۱۸۳۷م به بوشهر مهاجرت نمایند. (یاحسینی و مشایخی، ۱۳۸۲: ۵۸) درست از همین زمان است که با توجه به شرایط حاکم بر بوشهر، مردمان این شهر پذیرای خاندان‌های مهاجر عربی از تسنن و تشیع بودند. با سکونت خاندان آل عصفور تأثیرگذاری آنان بر تحولات سیاسی اجتماعی بوشهر آغاز گردید. (حسینی، ۱۳۹۱: ۴۸) لازم به ذکر است که گذشته از قدرت‌گیری فرقه خوارج، قدرت‌گیری خاندان آل عتب در بحرین نیز در مهاجرت و تنگنا قرارگرفتن آل عصفور و مهاجرت آنان به بوشهر تأثیرگذار بوده است. تا جایی که در یکی از منابع تاریخی این گونه آمده است که: «در سال ۱۲۴۳ ه.ق احمد بن سلمان آل خلیفه که پس از پدر با مشارکت برادران حکومت می‌کرد و مردی ظالم بود درگذشت و شیخ خلیفه برادر او به طور مستقل به امارت پرداخت. شیخ



عبدالله آل خلیفه بر او خروج کرد؛ ولی توفیقی نیافت. در زمان امارت شیخ احمد قریب نصفی از اهالی بحرین در اثر ستمگری و سوءرفتار او به نواحی جنوبی ایران فرار کردند که مشایخ آل عصفور و بحرانی‌ها که هنوز از اعقاب آنها در بوشهر، دشتی و دشتستان اقامت دارند از معاریف و سرشناسان ایشان بودند. (خجسته، ۱۳۳۸: ۴۱، ۴۰) میزان نفوذ اجتماعی شیخ حسن آل عصفور در میان مردم و شیعیان بحرین بسیار بالا بود به نحوی که از همان زمان که آل عتوب به تظلم و فشار بر روی مردم ادامه می‌داد عقلای شیعیان بحرین خواهان چاره‌اندیشی از سوی شیخ حسن برآمدند. بر همین اساس نیز شیخ حسن آل عصفور در نامه‌ای به شاهزاده معتمدالدوله و حاجی میرزا آقاسی درخواست کمک نمود. «همه اوقات از قدیم‌الایام ولایت بحرین جزو ممالک ایران و محکوم به حکم قوی‌بنیان بوده، اهالی بحرین گرفتار بی‌عدالتی طایفه عتوبیه می‌باشند. در اواخر دولت خان مرحوم به فرمانروایی آن مرحوم، مقرر در استخلاص طایفه صالحه بحرین و تسخیر و نظم این ولایت شد و لیکن فرمانروا به دفع‌الوقت گذرانید. الحمدلله شاهنشاه جهان‌پناه با قدرت و شوکت هستند، نوعی بفرمایند که مملکت وسیع مستخلص شود و جمیع کثیر داخل خدمتگزاران شوند و این طایفه عتوبیه بسیار ضعیف هستند به اندک توجه این امر منتظم خواهد شد.» (اسناد بنیاد ایران‌شناسی شعبه بوشهر، ۱۳۷۶: ۴). در برخی دیگر از منابع نیز علت مهاجرت آل عصفور به بوشهر را حضور استعمارگران پرتغالی و تصرف بحرین دانسته‌اند. (یاحسینی، مشایخی، ۱۳۸۲: ۴۸). به‌صورت کلی عوامل مهاجرت آل عصفور نیز به‌مانند سایر مهاجرت‌هایی که در طول تاریخ خلیج فارس اتفاق افتاده است برخوردار از یک عامل دافعه در مبدأ و عامل یا عوامل جاذبه در مقصد یعنی بندر بوشهر بوده است. مهاجرتی که در کنار کوچ سایر خاندان‌های عرب کرانه‌های جنوبی به خلیج فارس تحولات سیاسی - اجتماعی بوشهر را تحت‌تأثیر خود قرار داد. (منصوری مقدم و لاری، ۱۳۹۷: ۲۴)

سیر تاریخی بوشهر و تأثیرگذاری خاندان آل عصفور بر تحولات آن

نیمه نخست عصر قاجار، دوران سرنوشت‌سازی برای ایران و سلسله قاجاریه به شمار می‌رفت. پس از فتوحات آقا محمدخان و لشکرکشی به قفقاز که در نهایت با قتل وی نیمه‌تمام باقی‌ماند، هم‌زمان با سلطنت فتح‌علی‌شاه به دلیل تحولات گسترده جهانی و صف‌بندی‌های سیاسی ایجاد شده در اروپای آن زمان، ایران و دربار قاجار موردتوجه دولت‌مردان قدرتمند اروپایی قرار گرفت (شمیم، ۱۳۸۷: ۴۷) قدرت نوظهور ناپلئون بناپارت در فرانسه که قدرت انگلستان و روسیه تزاری را به چالش می‌کشید هم‌زمان گردید با لشکرکشی‌های روسیه به شمال ایران و منطقه

قفقاز (شمیم، ۱۳۸۷: ۳۳) ضعف و نیاز ایران، قدرت‌های اروپایی چون انگلستان و فرانسه را هرچه بیشتر به دربار ایران نزدیک ساخت. عقب‌ماندگی ایران و ضعف در تکنولوژی‌های مدرن و به روز آن زمان که هم‌زمان با شکست و وادادگی ایران در جنگ‌های طولانی‌مدت با روسیه بود، دربار ایران و نواحی شمالی و جنوبی آن را در مظان افکار عمومی به‌شدت تضعیف نموده بود. در زمانی که تمام توجهات دولت و دربار به مناطق شمالی ایران معطوف بود، در خلیج فارس تحولاتی رخ داد که دولت و دربار ایران غافل از آن بودند. ظهور قدرت‌هایی چون امامان عمان، خوارج در بحرین، گروه‌های تندرو مذهبی در کرانه‌های جنوبی و مهاجرت‌های گسترده خاندان‌های تسنن و متعاقب آن تشیع به سواحل ایرانی خلیج فارس به مرکزیت بوشهر، از جمله مهم‌ترین این وقایع بود (چمنکار، ۱۳۹۳: ۷۲) ایالت فارس که بنادر و جزایر خلیج فارس نیز بخش مهمی از این ایالت محسوب می‌شد و در مقطع زمانی هرچند اندک شاهد حضور ولیعهد ایرانی یعنی فتحعلی‌شاه بود، برای حکومت قاجار حائز اهمیت بود. انعکاس اخبار شکست و ضعف ایران در فارس و بنادر به محوریت بندر بوشهر بازتابی گسترده داشت و محافل فکری، سیاسی و مذهبی بوشهر به‌خوبی شرایط حاکم بر جامعه ایران را درک می‌کردند. در زمان جانشین فتحعلی‌شاه یعنی محمدشاه قاجار بنا بر شرایط حاکم بر سیاست و روابط دیپلماتیک ایران، بندر بوشهر مورد توجه قدرت‌های اروپایی قرار گرفت و بهانه‌ای در دست دولت انگلستان برای تحمیل سیاست‌های خود بر دربار قاجار شد. (شمیم، ۱۳۸۷: ۲۰۴) بروز این بحران‌های سیاسی در ایران هم‌زمان بود با استقرار و تثبیت موقعیت خاندان آل عصفور در بوشهر. شرایط خاص به وجود آمده در فضای سیاسی - اجتماعی بوشهر که برخاسته از تنفر اجتماعی نسبت به حضور بیگانگان و در رأس آنان انگلستان در بوشهر بود در کنار مقبولیت خاندان آل عصفور فرصتی مناسب به وجود آورد تا شیخ حسن آل عصفور از شرایط پیش‌آمده نهایت استفاده را برای بسیج عمومی و تقابل با انگلستان ببرد. (مظفری زاده، ۱۳۹۵: ۳۳۷) بحران هرات و تهدید انگلستان مبنی بر تصرف بوشهر شرایط لازم را برای شیخ حسن و خاندانش فراهم آورد. فتوای جهاد بر علیه انگلستان از سوی شیخ حسن و یک‌دست نمودن مردم بوشهر بر علیه تجاوز نظامی بریتانیا را می‌توان آغاز نقش‌آفرینی این خاندان در تحولات سیاسی اجتماعی بوشهر عصر قاجار دانست. به نظر می‌رسد عوامل گوناگونی در پذیرش جایگاه این خاندان از سوی مردم وجود داشت که مهم‌ترین آن را می‌توان در مواردی چون همراهی بافت جمعیتی بوشهر با آل عصفور که عمدتاً فارسی و شیعه بودند همچنین هم‌زمانی رخدادهای سیاسی به وجود آمده در ایران و گره‌خوردن این وقایع به موقعیت جغرافیایی بوشهر در خلیج فارس مرتبط دانست. از عوامل تأثیرگذار بر مقبولیت این



خاندان در میان مردمان بوشهر می‌توان به موارد زیر اشاره نمود :

الف. کاریزمای رهبری

کاریزما در لغت به معنای جذابیت غیرعادی و دارا بودن صفتهای ویژه و منحصر به فردی است که مورد پسند و ستایش تعداد زیادی از دیگر انسان‌هاست. جاذبه‌ای فردی که اثری اجتماعی دارد. (فریدون نژاد، ۱۳۹۷: ۴) در واقع کاریزما یا فرهنگدی یکی از ویژگی‌های شخصیتی است که از راه‌های نفوذ فرد یا گروه به دست می‌آید. فرهنگدی یا کاریزما یکی از راه‌های کسب قدرت اجتماعی در طول تاریخ بوده است. اشخاص فرهنگد همواره توانایی و قدرت جذب توده‌های مردم را به سوی خود دارند که آنها را به انجام کاری وادار یا از انجام کاری برحذر دارند. شخص یا اشخاص فرهنگد در بیشتر مواقع جاذبه و محبوبیت فراوانی در میان مردم دارند. با در نظر گرفتن چنین ویژگی‌هایی برای رهبران مردمی در بوشهر، می‌توان خاندان آل عصفور را که در بحران‌های سیاسی و اقتصادی هدایت مردم بوشهر را با هدف تأمین منافع ملی و امنیت اقتصادی و اجتماعی ایران و بوشهر بر عهده داشته‌اند، برخوردار از چنین خصوصیتی دانست. با بررسی زوایای قدرت سیاسی و اجتماعی این خاندان در بوشهر به‌خوبی می‌توان بدین امر پی برد. نهادهای تصمیم‌گیرنده در بوشهر شامل مقرر حکمرانی از سویی و از سوی دیگر نماینده سیاسی مقیم دولت بریتانیا و عوامل وابسته به آن بودند که اینان مجری فرامین و دستورات دولت و نمایندگی سیاسی بریتانیا به شمار می‌رفتند. (مظفری زاده، ۱۳۹۵: ۵۷) در چنین شرایطی است که مردم و بازاریان بوشهر، گرایش بیشتری به خاندان آل عصفور پیدا کرده بودند. روند وقایع رخ داده در بوشهر و خلیج فارس به‌خوبی گویای این امر و روند رو به رشد کسب محبوبیت و به‌دست آوردن جایگاه کاریزماتیک در این شهر می‌باشد.

ب. پایگاه مردمی

در ساختار قدرت در ایران همواره نهادهای تصمیم‌ساز به یک راه ختم می‌شده‌اند و آن راه نیز شخص شاهنشاه و دربار وابسته به او بوده است. در چنین ساختاری که تصمیمات مهم و اساسی یک کشور توسط فرد خاص گرفته می‌شده است تا پیش از تأسیس پارلمان و تصویب قانون مشروطیت طبیعی بود که مردم در قدرت و تعیین سرنوشت خود و جامعه‌شان نمی‌توانستند نقشی از خود ایفا نمایند. از همین روی امری عادی به نظر می‌رسید که رعیت گوش به فرمان حاکمان خود و از سوی دیگر دربار و دیگر سرسپردگان

دولت‌های قدرتمند و زورمند زمانه باشند. در چنین فضای بسته سیاسی و اجتماعی بود که خاندان آل عصفور توانستند با درنظرگرفتن فضای حاکم بر سیاست و اجتماع بندر بوشهر به‌عنوان بندری که نقشی تأثیرگذار در تحولات سیاسی ایران و خلیج فارس ایفا می‌نمود وظیفه خود را به‌خوبی انجام دهد. گرایش آل عصفور و در رأس آنان شیخ حسن و مردم بوشهر و دفاع از تمامیت ارضی ایران در دو مقطع حساس و تاریخی نشان از آگاهی مردم و بازاریان بوشهر از وقایع سیاسی رخ داده در ایران و بندر بوشهر دارد. (حسینی، ۱۳۹۱: ۱۲۰)

علاوه بر موضع‌گیری‌های سیاسی آل عصفور که عمدتاً به‌دلیل برخورداری از پشتوانه نیروی مردمی در بوشهر صورت می‌گرفت، می‌توان به موارد دیگری چون رهبری قیام مردم و بازاریان بوشهر بر علیه نیروهای انگلیسی اشاره نمود. در جریان اتفاقی که میان یکی از اتباع انگلیس و یک درویش محلی رخ داد حاکم وقت بوشهر خواستار محاکمه تبعه انگلیس در نزد قاضی شهر که همان شیخ حسن آل عصفور بود گردید. با امتناع کنسول انگلیس، تنش سیاسی میان کنسولگری و مردم بازار و خاندان به اوج خود رسید. سرنوشت «گیربایدوف» سفیر روس در ایران به‌شدت کنسول انگلیس را ترسانده بود و به هیچ عنوان خواهان محاکمه تبعه خود در نزد آل عصفور نبود. مردم بوشهر در حمایت از شیخ حسن با ساختن عروסקی نمادین از گریبایدوف سفیر روس در ایران، خواهان محاکمه فرد انگلیسی شدند و به طرف کنسولگری هجوم بردند. (مارتین، ۱۳۹۰: ۶۰) در پی این واقعه و برای جلوگیری از رخداد مشابه دیگر به‌مانند سفارت روسیه، مکنیل سفیر انگلیس، جریان را به دربار ایران گزارش داد و خواهان برقراری صلح میان طرفین گردید (کلی، ۱۳۷۳: ۲۵) وقوع این رخداد که دامنه آن از بوشهر به دربار ایران و سطوح دیپلماتیک کشانده شد نشان از همراهی مردم با خاندان آل عصفور در بوشهر و پایگاه مردمی آنان دارد (فتوت، ۱۳۸۳: ۲۳۳)

یکی از ابعاد مبارزات عملی شیخ حسن آل عصفور حمایت از عامه مردم در برابر حکام جور و زیاده‌خواهی آنان بود. شیخ نصر دوم در سال ۱۲۵۴ق توسط فریدون میرزا والی فارس از حکومت بوشهر خلع شد. بعد از او شخصی به نام میرزا عباس به امارت بوشهر رسید. شیخ نصر هم در ۳۰ ماه مه، سال ۱۸۳۸م/ ۶ ربیع‌الاول ۱۲۵۴ق. به جزیره خارک گریخت. گوئی میرزا عباس بیش از چند ماه در حکومت بوشهر دوام نیاورد؛ اما در همین مدت، صادرات غلات و برنج را از بوشهر ممنوع کرده بود. همین امر موجی از نارضایتی بین مردم به وجود آورد. در ادامه همین امر در بوشهر بین تجار و میرزا عباس درباره پرداخت عوارض اختلاف افتاد. اهالی بازار بوشهر به نشانه اعتراض دکان‌های خود را



بستند. (فتوت، ۱۳۸۳: ۶۱) از آن طرف میرزا عباس به فراش‌های (مأموران) خود دستور داده بود تا بازرگانان را وادار به باز کردن مغازه‌های خود کنند. در این گیرودار شیخ حسن آل عصفور جانب بازاریان و مردم را گرفت و از ایشان خواست تا مغازه‌های خود را به نشانه اعتراض بسته نگه دارند و مسلح در خانه او جمع شوند. وی به بهانه اینکه یکی از فراشان می‌گساری کرده دستور داده بود تا تمام شرابخانه‌های محله کلیمی‌ها از بین برود. کنسول انگلیس هم چاره را در فرار دید و از بوشهر گریخت و به کشتی انگلیسی پناه برد. (حسینی، ۱۳۹۱: ۱۲۲)

یادمان‌های آل عصفور در بوشهر

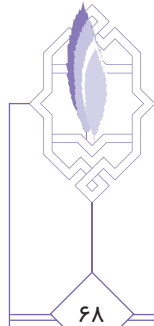
الف. مسجد جمعه

مسجد جمعه در محله شنبدی، در کنار مسجد جامع اهل سنت بوشهر واقع در محله کوتی یکی از قدیم‌ترین مساجد بوشهر است. این مسجد که دیرزمانی محل تجمع و انتقال اخبار عمومی به مردمان شهر بوده است توسط یک خیابان به بازار و مرکز شهر راه دارد. ابعاد مسجد عبارت است از $۱۸ \times ۴۰/۱۷$ و دارای ۱۶ ستون در چهار ردیف چهارتایی به ابعاد $۱/۱ \times ۱۰$ متر می‌باشد. ورودی اصلی با در تخته‌ای تزیین یافته به اشکال هندسی، کوبه‌های بزرگ و مزین به تزیینات گیاهی هنوز پابرجاست. محراب مسجد درست در مقابل درب اصلی قرار گرفته است و دارای کاربندی‌های گچی و تزیینات مارپیچی در اندازه‌های جالب توجهی است (گزارش بقاع متبرکه استان بوشهر، ۱۴۰۰: ۴). ابعاد محراب $۲/۴۰$ متر و $۳/۲۵$ متر است و در داخل آن سه طاقچه و رف به صورت تزیینی به کار گرفته شده است. در اضلاع شرقی، شمالی و جنوبی پنجره‌هایی را به کار گذاشته‌اند که از این طریق تهویه هوای مسجد و نور و روشنایی داخل صحن مسجد را تأمین می‌کند. وجود طاق‌های گنبدی شکل بر روی سقف‌های مسطح همراه با ستون‌های گرد و نیم‌رخ هلالی مانند در سر در طاق‌ها، ستون‌های سنگی، سنگینی طاق‌ها را تحمل می‌کنند. از خصوصیات بارز این بنا می‌توان به بادگیر آن اشاره نمود. علاوه بر این می‌توان به تزیینات منحصر به فرد این مسجد اشاره کرد. مسجد جمعه یکی از مهم‌ترین مساجد در میان مساجد نواحی جنوبی است که تزیینات در آن به اوج خود می‌رسد. ورودی مسجد کاملاً منطبق بر نقشه سنتی ساخته شده است و درون‌مایه آن از نظر معماری بر نوعی تقابل مبتنی است. شکل ستون‌ها، پنجره‌ها و نوع تزیینات داخلی مسجد شاهی بر ذوق معماری مبتنی بر

تجربه است (گزارش بقاع متبرکه استان بوشهر، ۱۴۰۰: ۴).

از نظر فضایی نیز داخل نمازخانه توسط ردیف‌های موازی طاق‌های دو قوسی تقسیم‌بندی شده است. نبوغ معماری به کار رفته در مسجد را می‌توان در ساختن قوس‌ها و نحوه بارگذاری‌شان دید که باظرافت و دقت بر روی ستون و سر ستون‌ها قرار گرفته‌اند. بدنه سر ستون‌ها، به صورت نواری چهار وجه با تزیینات دندانه موشی گچ‌بری شده که در مجموع ترکیبی را به وجود آورده که از جنبه تزیینی جلوه‌ای خاص از ترکیب و بازی‌های سایه و روشن دارد. قوس‌های خوش‌فرم و ظریف و زیبا با طرح‌های پیچیده و متنوع جدا از دیوارهای ساده و سفید، جذابیت خاصی به این مسجد داده است. سدیدالسلطنه کبابی در معرفی آثار تاریخی از جمله مساجد قدیمی بوشهر، به مسجد جمعه و مجلسی آل عصفور به نام مجلسی امام اشاره کرده است (سدید السلطنه، ۱۳۷۱: ۴۱). لازم به ذکر است که در حال حاضر مالکیت این بنا متعلق به اداره اوقاف است.

مسجد جمعه بر طبق گفته مورخان و آن‌گونه که در سر در آن قید شده است در سال ۱۰۱۷ ه.ق یعنی دوران صفویه ساخته شده است. یکی از محققین بوشهری در ارتباط با این مسجد معتقد است که مسجد جامع بوشهر (مسجد جمعه)، نشان از قدمت و عظمت بوشهر دارد و درباره این مسجد نوشته است: «آن‌گونه که از روایات حاصل می‌شود این مسجد به وسیله شیوخ عرب اهل سنت، بوشهر بنا شده و در اصل مسجد جامع اهل سنت بود؛ اما از سال ۱۲۱۶ ه.ق که مرحوم آیت‌الله شیخ حسن آل عصفور که در بحرین بود، پس از شهادت پدرش به دست انگلیسی‌ها، با دعوت‌نامه فتح‌علی‌شاه قاجار به بوشهر آمده و در این مسجد، نماز جماعت برقرار می‌کند. از این پس مسجد در اختیار شیعیان قرار می‌گیرد. آیت‌الله شیخ حسن، دو باب منزل در جوار مسجد در سمت غرب آن که به نام مجلسی معروف است، خریداری می‌کند و برحسب وصیت ایشان در همین خانه دفن می‌شود» (کنین، بی تا: ۸۳). بعد از شیخ حسن آل عصفور، شیخ احمد، شیخ خلف، شیخ عبدالعلی، شیخ محمد و بعد از شیخ محمد، دامادش شیخ محمدعلی امور امامت مسجد را بر عهده گرفتند. پس از وفات شیخ محمدعلی در سال ۱۳۱۰ شمسی سیدهاشم عدنانی که از خاندان آل عدنان بود، امامت و امور مسجد را بر عهده گرفت و پس از وی فرزندش سید محمدتقی عهده‌دار امور مسجد شد. با رحلت سید محمدتقی در سال ۱۳۶۲ از این سال تا سال ۱۴۰۱ امور دینی مسجد توسط سید ابوطالب عدنانی فرزند مرحوم سید هاشم انجام می‌گرفت. (منصوری مقدم، لاری، ۱۳۹۷: ۲۵) که ایشان نیز به دلیل بیماری کرونا دار فانی را وداع نمودند و پس



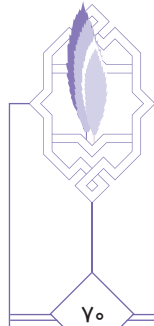
از ایشان هم اکنون شخص دیگری از خانواده عدنانی امامت مسجد جمعه را بر عهده دارد. مسجد جمعه مکان مهمی برای اطلاع‌رسانی شهروندان بوشهری به‌ویژه طبقه کسبه، بازرگانان و دریانوردان بوده است. آن‌گونه که از منابع رسمی و اسناد برجای مانده پیداست ظاهراً هر تصمیمی که از طرف دولت مرکزی و یا کارگزاران حکومتی بندر بوشهر در مورد آن بندر گرفته می‌شده برای آنکه شهروندان را زودتر از آن باخبر سازند موضوع را از طریق همین مسجد به گوش مردم می‌رسانده‌اند. در حال حاضر بر روی ستون‌های شمالی و جنوبی محراب مسجد دو نسخه تکراری فرمان ناصرالدین‌شاه قاجار که در زیر شیشه جاسازی شده است به چشم می‌خورد. این فرمان مربوط به بخشودگی عوارض گمرکی (عوارض شهرداری) تره‌بار و میوه‌جات و صیفی‌جات و بعضی اقلام دیگر مثل سیب‌زمینی است و به سال بیست و دوم سلطنت ناصرالدین‌شاه (ذی‌الحجه ۱۲۹۶ ه.ق) باز می‌گردد. پاره‌ای از متن یکی از دو نسخه مزبور را (نسخه شمالی) موربانه خورده است؛ اما متن دومی (نسخه جنوبی) را می‌توان خواند. به‌نوعی می‌توان این فرمان را منشأ اولیه شکل‌گیری امور حسبه در بوشهر و بنادر جنوب قلمداد نمود که نظارت و کنترل بر بازار را هم در دستور کار خود قرار داده بود. متن این فرمان که حکایت از رعایت حال رعیت بندر مبارکه ابوشهر دارد بدین قرار است:

«که چون منظور نظر معدلت گستر و مکنون خاطر رعیت‌پرور اقدس ملوکانه ماهواره آسودگی رعیت و آبادی مملکت است و کارگزاران امور دیوانی یا عمال و پیشکاران و ضباط جزو نتوانند در حق احدی تعدی و اجحاف نمایند. تا به‌وسیله این نیت خالص عامه خلائق که ودایع حضرت خالق‌اند، در کنف عدل و امان آسوده در خلل فضل و احسان خسروانه ننموده باشند لهذا این اوقات که معروض شده سینه خلافت علیه سلطنت افتاد که به اسم گمرک تره‌بار مبلغی از بارهای هندوانه و سبزی آلات و غیره از سکنه بوشهر دریافت می‌شود و بدین‌وسیله اهالی آنجا گرفتار سختی و شدت هستند، محض مرحمت و عنایت ملوکانه از هذه السنه تنگ‌وژئیل و ما بعدها از قرار تفصیل ذیل، گمرک تره‌بار را به همه جهت به تخفیف مقرر فرمودیم که به این اسم دیناری گرفته نشود و چنانچه من‌بعد معروض و معلوم خاک‌پای همایونی گردد که حبه و دیناری به این اسم دریافت داشته‌اند مورد مؤاخذه همایونی خواهند بود و از قرار این منشور قضا دستور عموم رعیت بندر ابوشهر مادون ملکه امورند که چنانچه حبه و دیناری به اسم گمرک تره‌بار از آن‌ها مطالبه نمایند عرض تظلم خود را به خاک‌پای معدلت مبارک تا در رفع آن قضا مآثر همایونی مقرر و عامل تعدی و اجحاف به سزای خود برسد. مقرر آن که مقرب الخاقان

مستوفیان عظام شرح فرمان قضا به نظام همایون را در دفاتر خلود و دوام ثبت و ضبط نمود. تغییر و تبدیل مصون داشته در عهده شناسند.» (ری شهری، ۱۳۸۰، ج ۲: ۵۳۴-۵۳۳)

ب. مجلسی آل عصفور

مجلسی آل عصفور یا همان مجلسی شیخ حسن واقع در بافت قدیم بوشهر و محله شنبدی می‌باشد که خانه و محل دفن شیخ حسن است (سدیدالسلطنه، ۱۳۷۱: ۴۱). این مکان در میدانی واقع شده که به دلیل وجود مسجد جمعه، میدان جمعه نامیده شده است. در بعضی کتب به اشتباه نوشته شده که شیخ حسن به‌خاطر علاقه به علامه مجلسی اسم خانه‌اش را مجلسی گذاشته (یا حسینی، ۱۳۷۳: ۱۴) اما این سخن اشتباه است؛ زیرا اولاً هیچ سندی در دست نیست که ادعای ایشان را ثابت کند و ثانیاً: هیچ ارتباطی بین لقب یک عالم با خانه عالم دیگر نیست و ثالثاً در بوشهر هنوز به خانه‌های بزرگ و پذیرائی مجلسی می‌گویند و مجلسی اسم مکان است؛ یعنی محل نشستن و در مجلسی شیخ حسن مردم نزد وی می‌آمدند و محل آمودشد مردم بوده و آنجا می‌نشستند و از حضور شیخ حسن استفاده می‌بردند به همین جهت به آن مکان مجلسی گویند (حسینی، ۱۳۹۱: ۱۲۰) مجلسی شیخ حسن آل عصفور درگذشته دوطبقه بوده است که طبقه دوم شامل اتاق‌های پنج‌دري و سه‌دري و محضر امام‌جمعه و کتابخانه آل عصفور بوده است. طبقه دوم محل کار علما و مشایخ آل عصفور بوده (حمیدی، ۱۳۸۰: ۴۸) و از زمان شیخ حسن آل عصفور تا زمان مرحوم سید هاشم عدنانی و فرزندش سید محمدتقی عدنانی، محضر و دفتر کار امامان مسجد بوده که متأسفانه اکنون به‌کلی ویران شده است. طبقه همکف از سنگ و ساروج بنا نهاده شده است. قبر شیخ حسن در طبقه همکف مجلسی می‌باشد. ضریح آرامگاهش را از چوب ساخته‌اند و به‌صورت مشبک شکل است. از برخی اهالی و مریدان شیخ حسن نقل شده که این ضریح را بعد از مرگ شیخ حسن تعدادی از دوستدارانش از روی دریا گرفته‌اند و بر روی مزار نصب نموده‌اند به‌رحال طبقه زیرین مجلسی قبر شیخ حسن و به‌صورت حرف ال (L) انگلیسی است. در انتهای آن آشپزخانه‌ای قرار دارد که به آن «قلندرخانه» می‌گویند در ماه محرم و صفر هر روز مراسم روضه‌خوانی برپا است شب‌های ماه رمضان نیز برنامه مقابله قرآن برگزار می‌شود (حمیدی، ۱۳۸۰: ۱۲۰). در مجلسی آب‌انباری وجود داشته که در زمان قحطی آب مردم از آن استفاده می‌کردند. به‌غیراز مزار شیخ حسن، مزار شیخ محمد بن احمد آل عصفور نیز در این مکان وجود



دارد. در مجلسی کتیبه‌ای سنگی وجود دارد که در هنگام تعمیر و بازسازی از دل دیوار بیرون کشیده‌اند. در بالای کتیبه نوشته شده فی شهر ربیع‌الثانی ۱۲۷۵ هجری قمری. شاعر اشعار حک شده بر کتیبه مشخص نیست. به‌رحال مردم بدان بقعه ارادت خالصانه دارند و بسیاری هستند که مراسم عقد و ازدواج خویش را در آنجا برپا می‌کنند حتی از کشور بحرین به آنجا می‌آیند. در مجلسی شیخ حسن، کتاب‌های خطی و غیرخطی فراوانی وجود داشته است. کتابخانه حدود ۱۵۰۰ جلد کتاب داشته و بیشتر کتاب‌ها به خط نسخ یا نستعلیق و بر روی کاغذ خان بالیغ یا سمرقندی بوده است. کتاب‌های چاپی معمولاً چاپ‌سنگی بمبئی بودند. در ورودی مجلسی به‌طرف جنوب میدان و نزدیک مسجد جمعه باز می‌شود و به فاصله کمی در سمت چپ مجلسی، مسجد جمعه واقع است که مشایخ و بزرگان آل عصفور و سادات عدنانی در این مسجد اقامه نماز جماعت می‌نمودند و به علت برپایی مدام نمازجمعه این مسجد به مسجد جمعه معروف است. (حسینی، ۱۳۹۱: ۱۲۲)

کارکردهای مجلسی آل عصفور

در ارتباط با تأثیرات و کارکردهای مجلسی آل عصفور در بوشهر می‌بایست اذعان داشت که مهم‌ترین کارکردهای این بقعه را می‌توان در دو بعد اجتماعی و مذهبی بیان نمود.

الف. اجتماعی

مجلسی آل عصفور را می‌توان باتوجه به جایگاه خاندان آل عصفور و مقبولیت عام آنان در بوشهر برخوردار از یک بعد وسیع اجتماعی دانست. شرایط و فضای حاکم بر بوشهر به هنگام مهاجرت و سکونت در این شهر به‌گونه‌ای بود که مردم گرایش بیشتری به شخصیت‌های برجسته این خاندان پیدا می‌کردند (مظفریزاده، ۱۳۹۵: ۳۳۶). وجاهت علمی شخصیت‌های تراز اول خاندان عصفور در کنار حمایت‌های اجتماعی و سیاسی آنان از خواست و نیازهای مردم بوشهر در برابر حاکمان وقت بوشهر یعنی خاندان آل مذکور، گونه‌ای وجاهت اجتماعی به آل عصفور بخشیده بود. اگرچه خاندان آل مذکور در عمران و آبادی بوشهر در فاصله سال‌های عصر نادرشاهی تا دوران زندیه و سپس قاجاریه تأثیرگذار بودند؛ اما هم‌زمان با ورود خاندان آل عصفور به بوشهر چالشی اساسی میان آنان و حکمران فارس از سویی و از سوی دیگر خوانین محلی به‌وجود آمده بود که این اختلافات فرصت مناسب به دست شخصیت‌های نخستین آل عصفور، از جمله شیخ حسن آل عصفور داد تا

در مقابل اقدامات آل مذکور به حمایت از پاره‌ای خواسته‌ها و تقاضاهای مردم و بازاریان بوشهر بپردازند؛ بنابراین از این زمان به بعد مجلسی آل عصفور که همان خانه شیخ حسن بود تبدیل به محلی برای مراجعه مردم و شنیدن درخواست‌های آنان شد. اظهار ارادت مردم بوشهر در زمان پس از مرگ شیخ حسن آل عصفور موجب گردید که قبر وی که در همان مجلسی وی بود محل رفت‌وآمد مردم بوشهر قرار گیرد. همان‌گونه که گذشت ارادت مردم بوشهر و حتی بحرین و مناطق هم‌جوار در سال‌های پس از مرگ شیخ حسن نیز ادامه داشت و گروه‌های مختلف مردم به مجلسی شیخ حسن و آل عصفور آمودرفت داشتند و همین امر نشان از منزلت و جایگاه اجتماعی بالای شیخ حسن و خاندان آل عصفور در بوشهر بوده است (حسینی، ۱۳۹۱: ۱۳۴)

ب. مذهبی

ابعاد مذهبی حضور آل عصفور در بوشهر و تأثیری که علمای این خاندان بر جریان‌های مذهبی و علمای شیعه بوشهر و مردم این شهر گذاشته‌اند بسیار در خور اهمیت است. بافت بوشهر در ابتدا پس از مهاجرت‌هایی که از قسمت‌های مختلف خلیج فارس به‌ویژه کرانه‌های جنوبی به این بندر صورت گرفت بیشتر سنی‌نشین بود. به‌طوری که در بیشتر گزارش‌ها و اسنادی که موجود است اشاره به حضور بخشی از اعراب با گرایش تسنن در بوشهر می‌کنند (گرمون رای، ۱۳۷۸: ۳۳). اما رفته‌رفته پس از حضور خاندان‌های شیعی به‌مانند آل عصفور در بوشهر و اقداماتی که از طرف حکومت مرکزی و ایالت فارس برای یکدست نمودن سواحل و بنادر خلیج فارس صورت گرفت غالب جمعیت بوشهر را فارسی‌زبان‌ها و مهاجران داخلی تشکیل دادند که به‌مرور گروه‌های عرب‌زبان ساکن در این بندر را نیز در خود مستحیل نمودند. یکی از مهم‌ترین دلایلی که در بوشهر فارسی‌زبان باقی ماند برخورداری از شهرهای پشتیبان و پس کرانه‌ای به‌مانند فارس بود که در این روند بسیار تأثیرگذار بود؛ بنابراین در این تحولات جمعیتی آل عصفور نیز نقش مهمی داشتند و در گرایش مردم بوشهر به سمت تشیع که ریشه‌های اولیه آن نیز از ابتدا در این شهر وجود داشتند تأثیرگذار بودند. مجلسی آل عصفور در زمان شیخ حسن و پس از ایشان در زمان فرزندان ایشان تبدیل به یکی از مکان‌های مقدس و قابل احترامی شده بود که محفل شیعیان و دوستداران خاندان عصمت و طهارت بود. برگزاری مراسم‌های مختلف مذهبی از قبیل روضه و مقابله و همچنین نشست‌های علمی و مذهبی از جمله مواردی بود



که مجلسی آل عصفور را در کنار مسجد جمعه این شهر تبدیل به یکی از کانون‌های مهم نشر اندیشه‌های تشیع در بوشهر نموده بود. پایبندی شیخ حسن و فرزندان ایشان به تشیع به‌گونه‌ای بود که در مدت حضور آنان در بوشهر تعداد زیادی از کتب و رساله‌های علمی و جهادی به‌وسیله ایشان تألیف گردید. یکی از مهم‌ترین رساله‌هایی که توسط شیخ حسن تألیف گردید، رساله الفتاوی الحسنیه فی العلوم المحمدیه است. این رساله توسط شیخ حسن همواره در مجلسی آل عصفور شرح و بسط داده شد و علاقه‌مندان به علوم دینی از محضر شیخ حسن بهره‌ها بردند. رسمی که نسل به نسل در خاندان آل عصفور ادامه یافت و مجلسی آل عصفور تبدیل به مهم‌ترین کانون برای ترویج اندیشه‌های شیعی و قطب اصلی خاندان آل عصفور گردید. (حسینی، ۱۳۹۱: ۱۰۱)

مرمت و احیاء مجلسی آل عصفور

مجلسی آل عصفور از بدو تأسیس تا پایان عصر قاجار و پهلوی به‌ندرت مورد تعمیر و بازسازی قرار گرفته است و در تمام مدت پس از فوت شیخ حسن آل عصفور در زمان جانشینان و فرزندان وی از مجلسی به‌عنوان مرکز اصلی مباحث دینی و فقهی استفاده می‌شده است (حسینی، ۱۳۹۱: ۱۰۱)؛ بنابراین در یک پروسه زمانی در بیشتر این سال‌های بافت اصلی ساختمان بدون تغییر باقی‌مانده بود. فرسودگی بیش از حد در پی ساختمان مجلسی موجب شکافی در بدنه و کف ساختمان شده بود. معماری ساختمان مجلسی برگرفته از معماری بافت قدیم بوشهر و محله شنبیدی است. این ساختمان داری یک حیاط مرکزی و درب و پنجره‌های مشبک بوده است. خود ساختمان به‌صورت «ال» مانند است که چندین ستون مرکزی به‌صورت طولی و عرضی در آن به‌کاررفته است. قبر شیخ حسن آل عصفور در مرکز بنا قرار گرفته که محل رجوع مردم و مریدان شیخ و خاندان آل عصفور است. همان گونه که گذشت فرسودگی متوالی ساختمان که ناشی از عدم مرمت ساختمان بوده تغییرات مشهودی در سیمای اصلی بنا به وجود آورده بود. ابعاد مذهبی و تاریخی مجلسی آل عصفور در کنار پیگیری‌های مکرر دوستداران این خاندان موجب شد که اداره کل میراث‌فرهنگی استان بوشهر با همراه اداره مسکن و شهرسازی و اداره اوقاف برنامه‌نوسازی و مرمت این اثر فاخر تاریخی را که از جمله بناهای شاخص تاریخی بافت بوشهر در کنار مسجد جمعه بود را در دستور کار خود قرار دهد. فرآیند مرمت و احیای مجلسی آل عصفور از سال ۱۳۹۸ آغاز و در سال‌های ۱۴۰۱ شدت گرفت و در چهارم شهریورماه ۱۴۰۲ به بهره‌برداری رسید. اقدامات صورت‌گرفته از سوی کارشناسان فنی اداره کل میراث‌فرهنگی استان

بوشهر شامل اندودبرداری، گچ‌کاری اندرونی مجلسی، کارهای چوبی درب و پنجره‌ها و غیره بوده است.

دیگر وقفیات

عالمان آل عصفور به واسطه وجهه نیکوئی که در جامعه داشتند بیشتر مردم برخی از زمین و املاک خود را وقف این خاندان آن هم برای مصارف عامه می‌نمودند. موقوفات ایشان در بوشهر زیاد است. البته آنها به هر جا که می‌رفتند دارای موقوفات هستند در دالکی، دیر و حتی بحرین نیز موقوفه دارند. در شهر بوشهر علاوه بر مسجد و مجلسی که محل برگزاری مراسم بوده باغ‌ها و ملک‌های دیگری نیز به‌عنوان موقوفه دارند؛ مثلاً قسمتی از باغ زهرا از موقوفات ایشان می‌باشد بیشتر املاک موقوفی اکنون به‌صورت خانه‌های مسکونی درآمده است اینک این موقوفات زیر نظر اداره اوقاف بوشهر مدیریت می‌شود. در قسمت بافت قدیم بوشهر و نزدیکی‌های مسجد جمعه چند مغازه نیز از موقوفات آنها است. (حسینی، ۱۳۹۱: ۱۳۴) موقوفه‌های آل عصفور به‌صورت پراکنده در سطح شهر بوشهر قرار دارند. بیشتر این موقوفات مربوط به دوران قاجار و عصر پهلوی است. وجاهت آل عصفور و برخورداری از میزان بالای تنفذ اجتماعی موجب می‌شده است که مردم و ارادتمندان این خاندان زمین‌هایی را وقف علمای این خاندان در بوشهر نمایند. آنچه که از موقوفه آل عصفور بنا بر گزارش اداره اوقاف بوشهر برمی‌آید این است که زمین‌های وقفی این خاندان در دو محله شکری و ظلم آباد (صلح آباد) قرار دارند و این زمین‌ها بر اساس کارشناسی‌های صورت‌گرفته شده پلاک بندی شده و هر کدام دارای پلاکی مخصوص هستند. به‌عنوان نمونه این موقوفه‌ها شامل: پلاک ۳۱۷۳ که در محله شکری قرار دارد مکان‌هایی چون بهشت صادق امروزی، گلزار شهدای مرکزی و همچنین حسینییه موجود در جوار بهشت صادق را در برمی‌گیرد. (مصاحبه با غلامحسین کروب‌بی، ۱۴۰۲/۶/۳۰) لازم به ذکر است که در زمان قاجار و پهلوی اول در مکان فعلی حسینییه کاروان‌سرای برای اطراق مسافران در نظر گرفته شده بود که این کاروان‌سرا نیز از جمله موقوفات آل عصفور بود. در دوره رضاشاه از این کاروان‌سرا برای نگهداری بیماران جزامی استفاده شد و پس از آن بلدیه بوشهر برای تسطیح و خیابان‌کشی این کاروان‌سرا را تخریب نمود. لازم به ذکر است که در حال حاضر این حسینه که بر جای کاروان‌سرای سابق بوده بخشی از موقوفه‌های آل عصفور به‌شمار می‌رود. ادامه موقوفات آل عصفور به خیابان



خبرنگار منتهی می‌شود. بخشی از زمین‌های کناری خیابان خبرنگار تا مسیر منتهی به بهشت صادق نیز زیر مجموعه پلاک ۳۱۷۴ محسوب می‌شوند. در ادامه پلاک بندی‌های موقوفات آل عصفور، پلاک ۳۱۷۵ از مکان فعلی ایران‌خودرو جعفری در محله شکری آغاز و تا بهشت صادق ادامه می‌یابد. ورزشگاه تیم شاهین بوشهر نیز در اصل متعلق به موقوفه این خاندان می‌باشد. نکته قابل‌تأمل آنکه زمین عرصه به طور کامل موقوفه می‌باشند اگر چه در برخی از مکان‌ها تملک اعیانی شده است؛ اما در تمامی سندها پلاک‌ها بخش‌های فرعی پیدا کرده‌اند به‌مانند پلاک‌های ۳۱۷۳ و ۳۱۷۴. اداره امور زندان‌ها در محله شکری نیز قسمتی دیگر از موقوفه آل عصفور در محله شکری است. تمام این ادارات که از زمین‌های وقفی آل عصفور استفاده می‌کنند به‌صورت کامل مستأجر موقوفه آل عصفور به شمار می‌روند. در کنار مرکز ایران‌خودرو فعلی در محله شکری و مغازه‌های تعمیرگاهی هم‌جوار آن تا مسیر منتهی به محله صلح آباد به‌صورت کامل زیر مجموعه پلاک‌های وقفی ۳۱۷۵ آل عصفور می‌باشند. پلاک ۳۱۷۶ که بزرگ‌ترین این املاک وقفی محسوب می‌شود دربردارنده مکان‌هایی چون دویست دستگاه و هزار دستگاه در محله شکری می‌شود. پلاک ۳۱۷۶ فرعی اول منتهی می‌شود به سمت پمپ‌بنزین وزیری و از آنجا تا زمین‌های نیروی دریایی ارتش واقع در محل صنایع دریایی فعلی بخش دیگری از موقوفه آل عصفور می‌باشند. نکته جالب‌توجه اینکه به‌مرور بر وسعت این زمین‌ها افزوده شده است. لازم به ذکر است که بخش دیگری از موقوفه آل عصفور در روبروی اداره زندان‌ها که شامل بازار روز می‌شود واقع شده است. موقوفه آل عصفور از نظر کمی یعنی مقدار و متراژ از موقوفه حاج سید محمدرضا تاجر کازرونی در بوشهر بیشتر است. اما به‌احتمال فراوان موقوفه کازرونی چون تصرفاتش در پایگاه هوایی قرار دارد از این بابت بیشتر از آل عصفور است. خارج از بوشهر رقباتی که متعلق به آل عصفور باشد محدود و پراکنده‌اند در صورتی‌که بیشترین موقوفه این خاندان در خود شهر بوشهر و محلاتی که ذکر شد متمرکز است. شاخص‌ترین موقوفه این خاندان که شامل مجلسی آل عصفور می‌شود در بافت قدیم بوشهر قرار دارد. موقوفات در کل یا انتفاعی هستند و یا منفعتی، به‌عنوان مثال برخی از موقوفات هستند که متعلق به آل عصفور هستند؛ اما در درون این موقوفه‌ها مسجد وجود دارند از این روی به این موقوفه‌ها، موقوفه‌های انتفاعی می‌گویند. اما موقوفه‌های منفعتی آن دسته از املاک وقفی هستند که تماماً سرقفلی شده‌اند به نام واقف آن که آل عصفور می‌باشد. (همان)

نتیجه‌گیری

خاندان آل عصفور از جمله خاندان‌های مطرح بوشهر در عصر قاجار به شمار می‌روند. حضور و میزان تنفذ بالای اجتماعی این خاندان در بوشهر موجب گردیده بود که دوستان و مریدان آنان املاک و زمین‌هایی را وقف علما و رهبران خاندان آل عصفور نمایند. علاوه بر مجلسی و مسجد جمعه که آل عصفور امامان جماعت آن محسوب می‌شدند موقوفات آنان در بخش‌هایی از مرکز شهر بوشهر و محلاتی چون شکری و ظلم آباد (صلح آباد) متمرکز می‌باشند. موقوفات آل عصفور از نظر کمی بزرگ‌تر از موقوفه کازرونی می‌باشد؛ اما از نظر کیفی در رده دومین موقوفه بزرگ بوشهر قرار دارد. بررسی‌ها در این پژوهش نشان می‌دهد که عوامل مختلفی چون شرایط زمانی حاکم بر عصر و زمانه آل عصفور و همچنین میزان تنفذ اجتماعی آنان موجب شده بود که به‌مرور بر املاک موقوفه آل عصفور افزوده گردد به‌نحوی که میزان اثرگذاری وقفیات باقی‌مانده در دو حوزه اقتصادی و اجتماعی بوشهر بسیار تأثیرگذار بوده است. در میان تمامی این موقوفات، نقش مجلسی آل عصفور و مسجد جمعه بوشهر در اثرگذاری بر تحولات سیاسی و اجتماعی این بندر بسیار چشمگیر است.




 جمهوری اسلامی ایران
 به رسمتعالی
 حوزه اوقافی استان بوشهر

شماره ۳۱-۵۸۵/۲۷۵۴

تاریخ ۹۱/۱۲/۹

پیت -

برادر جهان بخش معاونت محترم عمرانی استانداری استان بوشهر.

احتراماً نظر به اینکه تعدادی از برادران و خواهران کبر نشین قسمتی از اراضی موقوفه آل عصفور در شکری جنب گورستان عمومی بوشهر را تصرف و اقدام با احداث کبر و اسکان در آن ها نمود مانند و از طرفین باتوجه به کمبود زمین در شهر و اینکه این حوزه مکلف به تأمین نیاز سازمانها و کارگاههای دولتی و کارگاه ها و کارخانه های تولیدی در سطح شهر از اراضی موقوفه - میباشد و زمین تحت تصرف کبر نشینان مورد اشاره در شرف واگذاری به وزارت صنایع جهت احداث تأسیسات اداری بهارانداز بهارگیری احداث و انبار کالا و مواد اولیه کارخانجات کشور که در بوشهر تخلیه میشود لذا مستدعی است مقرر فرمائید موضوع مورد رسیدگی و ضمن ارشاد برادران از جهت تصرف غاصبانه آنها در املاک وقفی - نسبت به تأمین نیاز ایشان اقدام قانونی لازم معمول فرمایند تا حتی الامکان مانع از اتلاف وقت اجرای طرح های دولتی در دست و پا آمده اجرا شود .

ازمنبر اسماعیل امینی

رئیس حوزه اوقافی استان بوشهر

شماره ۳۱-۵۸۵/۲۷۵۴

تاریخ ۹۱/۱۲/۹

اندیکس شد

کتابنامه

- اسناد بنیاد ایران‌شناسی شعبه بوشهر، شمار سند ۴۷۶، ۸ برگ
- برومند، صفورا (بی‌تا). *سرکسولگری بریتانیا در بوشهر ۱۱۷۷-۱۳۳۲ ه. ق* / ۱۷۶۳-۱۹۱۴ م، تهران: انتشارات وزارت خارجه.
- جی.بی. کلی (۱۳۷۳). *هجوم انگلیس به جنوب ایران*، ترجمه حسن زنگنه، بوشهر: انتشارات علوی.
- حسینی، سید عبدالحسین (۱۳۹۱). *علمای آل عصفور از بحرین تا بوشهر*، بوشهر: دانشنامه حوزه هنری.
- حمیدی، سید جعفر (۱۳۸۰). *فرهنگ‌نامه بوشهر*، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خجسته، مصطفی (۱۳۳۸). *بحرین در دو قرن اخیر*، شیراز: انتشارات موسوی.
- دشتی، رضا (۱۳۸۰). *تاریخ اقتصادی- اجتماعی بوشهر در دوره قاجاریه باتکیه بر نقش تجار و تجارت*، تهران: انتشارات پازینه.
- ری‌شهری، عبدالحسین (۱۳۸۰). *سنگستان، بوشهر قدیم و ویژگی‌های فرهنگی اجتماعی آن*، ج ۲، شیراز: انتشارات نوید شیراز.
- شمیم، علی‌اصغر (۱۳۸۷). *ایران در دوران سلطنت قاجار*، تهران: انتشارات بهزاد.
- سدید السلطنه بندرعباسی، محمدعلی‌خان (۱۳۷۱). *سرزمین‌های شمالی پیرامون خلیج فارس و دریای عمان در صدسال پیش ۱۳۲۴-۱۳۳۲ ه. ق (مغاض اللئالی و منار الیالی)*، استخراج و تنظیم و تحشیه و تعلیقات: احمد اقتداری، انتشارات جهان معاصر، چاپ اول، تهران
- غلام‌زاده، فراز (۱۳۹۲). *معماری بوشهر در دوره زند و قاجار*، تهران: انتشارات آباد بوم.
- فتوت، مهدی (۱۳۸۳). *رویارویی باقرخان تنگستانی با لشکرکشی‌های انگلیس به بوشهر*، بوشهر: انتشارات بوشهر.
- فریدون نژاد، رضا (۱۳۹۷). *اصول و مبانی شخصیت کاریزماتیک*، تهران: دانش و زندگی.
- گرمون رای، استفان (۱۳۷۸). *چالش برای قدرت و ثروت در جنوب ایران*، ترجمه حسن زنگنه، تهران: نشر همسایه.
- مارتین، ونسا (۱۳۹۰). *عهد قاجار*، ترجمه حسن زنگنه، تهران: نشر ماهی.
- مشایخی، عبدالکریم (۱۳۸۶). *خلیج فارس و بوشهر، روابط سیاسی و اقتصادی ایران و اروپا در سال‌های ۱۳۳۹ ه. ق. ۱۳۰۸ ه. ق. / ۱۹۲۰-۱۸۹۰ م*، بوشهر: انتشارات بنیاد ایران‌شناسی شعبه بوشهر، مؤسسه تاریخ معاصر ایران.
- ————— (۱۳۸۲). *عیسویان در بوشهر*، بوشهر: انتشارات بنیاد ایران‌شناسی.
- نبوی، سید ابوالحسن (۱۳۷۷). *علماء و نویسندگان بوشهر بر پایه کتاب الذریعه الی تصانیف الشیعه آقابزرگ تهرانی*، تهران: انتشارات پروین.
- نبوی، سید ابوالحسن (۱۳۹۴). *حاج سید محمد رضا تاجر کازرونی فخر التجار بوشهر در دوره قاجار*، تهران: انتشارات صفحه سفید.



- مظفری زاده، علیرضا (۱۳۹۵). *تاریخ آل مذکور، حکمرانان بوشهر*، تهران: انتشارات صفحه سفید.
- نبی‌پور، ایرج (۱۳۹۰). *معماری بوشهر، سمفونی رنگ باد و نور*، بوشهر: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی بوشهر.
- یاحسینی، سید قاسم (۱۳۷۳). *پیشگامان مبارزه با بریتانیا در جنوب ایران*، بوشهر: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر.

مقالات

- چمنکار، محمدجعفر (۱۳۹۳). «بنیاد امامت و سلطنت خاندان ابوسعیدی مسقط و عمان و چالش‌های حکومت‌های ایران در حوزه خلیج فارس و دریای عمان (قرن ۱۸-۱۹ میلادی)». *دوفصلنامه پژوهش‌نامه تاریخ‌های محلی ایران*، سال دوم، شماره سوم.
- کنین، عبدالحسین (بی تا). «مسجد جامع بوشهر (مسجد جمعه) نشانی از قدمت و عظمت بوشهر»، *مجله علمی و آموزشی سیراف*، شماره ۱
- منصوری مقدم، فرشید لاری منفرد (۱۳۹۷). «مهاجرت خاندان آل عصفور از بحرین به بوشهر و تأثیر آن بر تحولات سیاسی اجتماعی و فرهنگی آن شهر پر عصر قاجار»، *فصلنامه مطالعات خلیج فارس*، شماره ۲۹، س ۱۷

مصاحبه

- غلامحسین کروی، مدیرکل اسبق اداره اوقاف استان بوشهر، مصاحبه‌گر: مجتبی محمدی، تاریخ مصاحبه: ۱۴۰۲/۶/۳۰. مسجد کوفه